

فصلنامه علمی «پژوهش زبان و ادبیات فارسی»

شماره هفتاد و یکم، زمستان ۱۴۰۲: ۱-۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۰۶

نوع مقاله: پژوهشی

تحلیل نظام ارزشی اخلاق در گفتمان «سمک عیار»:

رویکرد نشانه معناشناختی

* عفت سرلک

** فاطمه سیدابراهیمی نژاد

*** حمیدرضا شعیری

**** علی کریمی فیروزجائی

چکیده

قصه‌ها و داستان‌های عامیانه از موارث مهم و ارزشمند فرهنگ هر ملت به‌شمار می‌آیند که علاوه بر بیان رخداد‌های گذشته، بیانگر رفتار، اندیشه و فرهنگ جاگرفته در لایه‌های بازمانده در تاریخ هر جامعه هستند. پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر رویکرد نشانه معناشناسی به بررسی نظام ارزشی اخلاقی در داستان «سمک عیار» پرداخته است. مسئله اصلی پژوهش این است که بر اساس چه سازوکاری، ارزش‌های اخلاقی درون گفتمان عیاری تولید می‌شوند. به عبارتی نظام ارزشی اخلاقی درون گفتمان عیاری، چه ارزش‌ها و الگوهایی را تولید می‌کند که مرزهای بین واقعیت و ایده‌آل‌گرایی را بر هم ریخته و نظام ارزش‌های عادی و رایج را به فرارزش‌های آرمانی و حتی اسطوره‌ای تغییر داده است؟ در واقع هدف اصلی این مقاله، بررسی کنش‌هایی است که اخلاقی آنها را به کار می‌گیرد تا از طریق آن الگوی ارزشی خود را تحقق بخشد. داده‌ها از کتاب سمک عیار به صورت هدفمند و بر اساس

* دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران efatsarlak@outlook.com

** نویسنده مسئول: استادیار گروه آموزش زبان انگلیسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

fatemeh.seyedbrahimi@iau.ac.ir

shairi@modares.ac.ir

alikaarimif@pnu.ac.ir

*** استاد گروه زبان فرانسه، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

**** دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران



گفتمان‌های کنشی انتخاب شده‌اند. پس از تحلیل داده‌ها نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که چالش‌های ارزشی در بافت گفتمانی، زمینه را برای تبدیل یک ارزش به ارزش‌های دیگر فراهم می‌آورد و سبب گسترش دایره ارزش‌ها و استعلای آنها می‌شود. به عبارتی عیاری، کارکردهای اجتماعی- فرهنگی رایج و نظام ارزش‌های معمول را به گونه‌های ارزشی و فرارزشی همچون جمع‌محوری، اسطوره‌محوری، تعالی‌محوری، ریسک‌پذیری، تجدیدپذیری، دگرمحوری، پیشگامی، جهتمندی در سبک زندگی کنشگران تبدیل می‌کند.

واژه‌های کلیدی: نشانه معناسناسی، نظام ارزشی، اخلاقی، گفتمان کنشی و عیاری.

مقدمه

قدیمی‌ترین و ارزشمندترین کتابی که در آن نظام ارزشی گفتمان عیاری را بتوان جست‌وجو کرد، قصهٔ سمک عیار نوشتهٔ فرامرز ابن‌الارجانی است. عیار، مأخوذ از واژه یار فارسی است (کرین^۱، ۱۳۸۳: ۱۷۰ به نقل از بهار، ۱۳۶۰: ۱۴۰) و از نظر معنایی، مطابق با اصل باریگری و اخوت بین عیاران است. خاکساران، پهلوانان و لوتیان، آخرین گروه‌های این آیین در عصر حاضرند (افشاری، ۱۳۹۴: ۲۳).

در سمک عیار، عوامل گفتمانی، کنش‌ها^۲، شوش‌ها^۳، هویت‌ها و غیره، نظام گفتمانی عیاری را به خوبی نشان می‌دهند. سمک عیار، فضای‌های ارزشی را شکل می‌دهد که این ارزش‌ها^۴ پیوسته در حال تغییر هستند؛ یا با یکدیگر وارد چالش می‌شوند، یا همدیگر را نفی، خنثی و تأیید می‌کنند تا در نهایت فضای ترارزشی شکل گیرد که سازنده نظام ارزشی اخلاقی^۵ در عیاری باشد.

این پژوهش در پی رسیدن به پاسخ این مسئله اصلی است که گفتمان‌های کنشی^۶ عیاری، چگونه معیارهای ارزشی اخلاقی را تولید می‌کنند تا نظام ارزشی‌ای را شکل دهد که بر پایه آن به اهداف و آرمان خود برسد. بر این اساس پرسش‌های اصلی این است که گفتمان‌های کنشی سمک عیار، چگونه ارزش‌های اخلاقی‌ای تولید می‌کند تا از طریق آن بتواند به اهداف خود برسد. چگونه ارزش‌های اخلاقی را درون خود می‌پروراند و سبب زایش ارزش‌های جدید و در نهایت منجر به تولید الگو می‌شود. از این‌رو یافتن پاسخی برای این مسئله که نظام ارزشی اخلاقی مبتنی بر چه سازوکارهایی است، از اهداف پژوهش حاضر است، تا از این طریق بتوان الگوی نظام ارزشی اخلاقی در عیاری را معرفی کرد.

بنابراین نویسندگان مقاله در گام اول، گفتمان‌های کنشی را که در آنها کنش‌های اخلاقی دیده می‌شود، برگزیده‌اند. سپس به تحلیل محتوا و مضمون این کنش‌ها به منظور یافتن کارکردها و عملکردهای اخلاقی برای پی بردن به ارزش‌های تولیدشده

1. Korban
2. action
- 3 being
4. value
5. ethic
6. Actional discourse

می‌پردازند. باید خاطر نشان کرد که کنش‌ها در خدمت اخلاقی قرار می‌گیرند، زیرا اخلاقی فراتر از کنش است. فرضیه پژوهش حاضر این است که نظام گفتمانی اخلاقی در عیاری یک ارزش فراکنشی، ایده‌آل‌محور، فرارزشی^۱ و اخلاقی تولید می‌کند. اخلاق که بیانگر رابطه انسان با انسان است، در این گفتمان اهمیت بسزایی دارد و در بسیاری موارد کنشگر که همان عیار است، نه به لحاظ اجبار که به واسطه اختیار، از جان گذشتگی می‌کند و فرارزش اخلاقی را شکل می‌دهد. پژوهش حاضر در نظر دارد تا با بهره‌گیری از رویکرد نشانه-معناشناسی و با تکیه بر سازوکارهای ارزشی گفتمان اخلاقی به شیوه‌ای توصیفی-تحلیلی، چگونگی بروز ارزش و تبدیل یک ارزش به ارزش دیگر را در بخش‌های از کتاب سمک عیار که به صورت هدفمند انتخاب شده است، بررسی کند.

پیشینه تحقیق

قبادی و نوری (۱۳۸۶) در مقاله «تأثیر شاهنامه فردوسی بر ادبیات عیاری»، ادبیات عیاری، عناصر و مؤلفه‌های آن را به اجمال بررسی کرده، پس از آن وجوه اثرپذیری آن مؤلفه‌ها را واکاوی نموده‌اند. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که شاهنامه فردوسی از نظر شکل و ساختار، عناصر زبانی و محتوا بر آثار عیاری بعد از خود مانند سمک عیار، امیر ارسلان و حسین کرد شبستری تأثیر داشته است. بیشترین تأثیر آن به دلیل نزدیکی زبانی، زمانی و حتی مکانی و وسعت اطلاعات و قدرت مهارت زبانی و بیانی بر سمک عیار است.

قنادزاده (۱۳۸۶) در پژوهش خود با عنوان «بررسی آیین عیاری در تاریخ ایران» معتقد است که فرهنگ پهلوانی و عیاری پیش از اسلام بوده است. نهضت‌های عیاری در دوره خلفای عباسی و امیران طاهری در شرق و در قرن دهم میلادی در اروپا به نام شوالیگری پدید آمدند. سپس به‌مثابه یک ارزش اجتماعی باقی ماندند و در هر دوره به شکلی خودنمایی می‌کردند.

پناهی (۱۳۸۸) در پژوهش خود با عنوان «جوانمردی، مترادف‌ها و مؤلفه‌های آن در متون عرفانی» درصدد یافتن مؤلفه جوانمردی در متون عرفانی است و به این نتیجه

1. valence

دست یافته است که اصطلاح جوانمردی در قرآن و حدیث ریشه دارد و مهم‌ترین مؤلفه‌های آن، ندیدن خود، انصاف، بخشش و بخشندگی، امانت‌داری، پاکدامنی و وفای به عهد، عیب‌پوشی دیگران و نگاه‌داشت حرمت دیگران است.

پوشنه (۱۳۹۱) در مقاله خود با عنوان «نظام ارزشی در گفتمان اخلاقی بر اساس داستان در خم راه» به بررسی نظام ارزشی در گفتمان اتیک با رویکردی نشان‌-معناشناختی و به شیوه‌ای توصیفی-تحلیلی می‌پردازد. این بررسی نشان می‌دهد که جریان معناسازی و شکل‌گیری ارزش‌ها، جریانی پویا و سیال است و راه‌نشان، راهی است بی‌پایان. سوژه از انسان و پدری معمولی می‌گذرد و برای نجات فرزندش به خطر می‌افتد و به اسطوره تبدیل می‌شود.

علوی مقدم و جعفرپور (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «مضمون عیاری و جوانمردی و آموزه‌های تعلیمی-القایی آن در حماسه‌های منثور» به بررسی عیاری در روایت‌های حماسی منثور، ادبیات تعلیمی و پیشینه تاریخی و فراز و فرودهای جوانمردی و عیاری در سمک عیار و داراب‌نامه پرداختند و به این نتیجه رسیدند که عیاران، جریانی اجتماعی و اخلاقی بودند که پیشینه شکل‌گیری آنها به دوران پیش از اسلام می‌رسد و با توجه به مقتضیات زمانی و سیاسی، آرمان‌ها و آموزه‌های تعلیمید-القایی این انجمن به دیگر موقعیت‌های جغرافیایی راه پیدا کرده و با فرهنگ بومی آن نواحی عجین شده است.

ساک و کماسی (۱۳۹۳) در مقاله «بررسی تطبیقی آیین عیاری در ایران و شوالیه‌گری در غرب» به این نتیجه رسیدند که آیین عیاری در ایران، ریشه در آیین‌ها و جنبش‌های پیش از اسلام دارد. این آموزه‌ها پس از اسلام، رنگ اسلامی به خود گرفته و در گذر زمان دچار تحولات و دگرگونی‌هایی شد که هم در ایران و هم در غرب از حمایت مردمی برخوردار شده‌اند.

بهمنی (۱۳۹۶) در پژوهش «تحلیل روایی عیاران و ارائه الگوی معنایی آن بر اساس ابومسلم‌نامه» بر اساس رویکرد نشان-معناشناسی به بررسی و تحلیل روایی نظام معنایی برنامه‌محور و مجاب‌سازی^۱ گفتمان عیاری در ابومسلم‌نامه پرداخته است. این بررسی

1. persuasion

نشان می‌دهد که عیار با قرار گرفتن در منطق محاسبات نظام برنامه‌محور، کنش اصلی را به نفع دیگری به انجام می‌رساند و کنش، امری ارادی و مرامی است. حاج حیدری و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «ردپای تجدد سیاسی در داستان امیر ارسلان»، این داستان را نمونه مناسبی برای تحلیل گفتمان عصر قاجار می‌دانند. آنها با استفاده از روش تحلیل گفتمان به بررسی قسمت‌هایی از متن که بر اساس گزاره شکل گرفته است، پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که گفتمان سنت نیز همواره در کشاکش با گفتمان تجدد قرار دارد. گفتمان تجدد، امکانات جدیدی در رابطه با روابط پادشاه با زیردستان در نظر می‌گیرد. پادشاه همچنان جایگاه فراقانونی دارد و نظر او تعیین‌کننده است، اما زیردستان سعی در به چالش کشیدن این جایگاه دارند. از آنجا که نشانه-معناشناختی، رویکردی نو در تحلیل آثار و متون ادبی است و مقاله حاضر بر مبنای این رویکرد انجام می‌شود، با پژوهش‌های یادشده متمایز است.

چارچوب نظری

چارچوب نظری پژوهش حاضر، نشانه معناشناسی است که به طور ویژه نظام ارزشی از دیدگاه نشانه معناشناختی مطمح نظر این پژوهش است که در ادامه به توصیف آنها پرداخته می‌شود.

نشانه معناشناسی گفتمان

نشانه معناشناسی گفتمان، تلفیقی از معناشناسی و نشانه‌شناسی است که معنا را با شرایط حسی-ادراکی تلفیق کرده، در قالب‌هایی متفاوت سبب تولید معنا می‌شود. در سنت نشانه‌شناسی ساخت‌گرای سوسوری و حتی فلسفی، رابطه دال و مدلول، رابطه‌ای منطقی و بدون حضور عامل انسانی است (ر.ک: شعیری و وفایی، ۱۳۸۸). نشانه معناشناسی به ماهیت نظام‌های گفتمانی توجه دارد و با تجزیه و تحلیل آنها، به واحدهای معنایی و واحدهای تمایزدهنده در سطح کلان دست می‌یابد. سپس با برقراری ارتباط بینابین عناصر معنا را درمی‌یابد (ر.ک: کریمی فیروزجایی و بنیادی، ۱۳۹۷).

در رویکرد نشانه معناشناسی گفتمانی، سه نوع ارزش وجود دارد: الف) نظام ارزشی زبان‌شناختی: که مبتنی بر تفاوت معنایی است و این تفاوت به عنوان یک ارزش در نظر

گرفته می‌شود. نشانه‌ها در ارتباط با یکدیگر، معناهایی را به وجود می‌آورند که می‌توانند از یکدیگر متفاوت باشند و از همین تفاوت‌هاست که ارزش شکل می‌گیرد. در داستان سیندرلا، دو معنای متفاوت فقر و ثروت، یا رنج و خوشبختی حاصل می‌گردد. این تفاوت‌ها می‌توانند ارزش‌های مثبتی همچون انسانیت و ارزش‌های منفی مانند حسادت و کینه‌ورزی را تولید کنند. (ب) ارزشی مبتنی بر اخلاق: در این نظام ارزشی، کنش گفتمانی برای تحقق ارزشی اخلاقی انجام می‌شود که برای دیگران سودمند است. (ج) نظام ارزشی زیبایی‌شناختی که ارزش آن بر پایه حس و ادراک شکل می‌گیرد و جنبه کاملاً پدیداری دارد و در آن معنا تابع هیچ برنامه، القا و باوری نیست. یعنی شناخت در ایجاد این جریان نقش دارد (شعیری، ۱۳۸۵: ۲۲۱). این سه ارزش در تعامل با هم قرار دارند.

نظام ارزشی گفتمان

شعیری و سیدابراهیمی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای که به نقد ترجمه کتاب سیر نشانه‌شناسی پرداخته‌اند معتقدند که باید گرایشی با عنوان «نشانه-ارزش‌شناسی» داشته باشیم تا بتوانیم بر اساس آن، جنبه‌های ارزش‌محور نظام‌های نشانه‌ای را با توجه به حضور کنشگران در بافت‌ها و موقعیت‌های اجتماعی تبیین کنیم. نشانه-ارزش‌شناسی به ما می‌آموزد که جهان نیاز به مراقبت دارد. بنابراین برای تحقق چنین مراقبتی نیاز هست تا هم تفسیرگر باشیم و هم در ایجاد شرایطی که راه را بر تفسیر می‌گشاید، سهیم باشیم (شعیری و سیدابراهیمی، ۱۴۰۰: ۱۹۴). بررسی نظام ارزشی گفتمان ما را با مسئله چندمعنایی^۱ واژه ارزش روبه‌رو می‌کند. ارزش می‌تواند زبان‌شناختی، اجتماعی، فرهنگی، آیینی، اقتصادی، زیبایی‌شناختی، اخلاقی، فلسفی و... باشد؛ اما وجه اشتراک ارزش‌ها در مباحث زبان‌شناختی نظام^۲ و فرایند^۳ است. برای مثال در نظام ارزشی آیین و فرهنگ عاشورا، قمه‌زنی در دوره‌ای بسیار مقبول بوده است، اما امروزه این آیین جای خود را به آیین‌های رایج دیگر می‌دهد. اما در بحث فرایندی ارزش، در بحث عاشورا مراسم از اول محرم آغاز می‌شود، در روز نهم و دهم به اوج خود می‌رسد و در شام غریبان به پایان می‌رسد. در اینجا فرآیند ارزشی، یک نقطه شروع، یک نقطه اوج و یک نقطه پایان دارد (ر.ک: شعیری، ۱۳۹۱ ب).

1. polysemy
2. system
3. process

از دیدگاه سوسور، ارزش بر اثر تمایز حاصل می‌شود و معنا محصول متفاوتی است که بین کلمات وجود دارد. سوسور، روابط و تفاوت‌های موجود میان عناصر زبان را به حوزه روابط همنشینی و جانیشینی تقسیم می‌کند که هر یک پدیدآورنده دسته معینی از ارزش‌هاست (دوسوسور، ۱۳۸۰: ۱۷۶-۱۷۷). ارزش می‌تواند معادل کوچک‌ترین واحد معنایی به شمار آید که محصول نظام تقابل معنایی است و آن مبنای شکل‌گیری ارزش است. شعیری، تفاوت و تمایز را فقط در آغاز راه شکل‌گیری ارزش می‌داند و عوامل مؤثر دیگری همچون بی‌قرینگی^۱، جهت‌مندی^۲، برگشت‌پذیری^۳، تعمیم‌پذیری^۴ و تجدیدپذیری^۵ را از جمله شرایط تکمیلی شکل‌گیری ارزش‌ها می‌داند (رک: شعیری، ۱۳۹۱ ب).

۱- بی‌قرینگی: شعیری به نقل از فونتنی، اولین پیش‌شرط ارزش را بی‌قرینگی می‌داند. در اینجا تقابل اصلی بین دوقطبی‌ها ایجاد نمی‌شود، بلکه بین واژه‌های صریح و دقیق و واژه‌های مبهم و کلی شکل می‌گیرد. او از عبارت عاطفه بنفش یاد می‌کند که شاعر آن را از دیگر عاطفه‌ها متمایز کرده است، بی‌آنکه آنها از آن متمایز شوند و این تمایز یک‌طرفه، زمینه‌ای برای ایجاد ارزش است.

۲- جهت‌مندی: آیا می‌توان گفت که عاطفه بنفش مقدم بر دیگر عاطفه‌هاست؟ یا بالعکس؟ در واقع خیر. بنفش تنها عاطفه را جهت‌مند کرده است و به آن سمت و سویی داده است. این جهت‌مندی بر احساس و ادراک سوژه، باورها یا تجربه‌های شناختی او استوار است و زمینه‌ای برای تولید ارزش است.

۳- برگشت‌پذیری: زمانی که واژه‌ای مانند عاطفه از درجه بالایی شدت و فشاره بالای عاطفی برخوردار است، ما را با عاطفه معمولی، ملایم و نرم مواجه می‌کند و زمینه تولید ارزش را فراهم می‌کند و سبب ایجاد رابطه‌هایی مثل شدت و ضعف، فشاره و گستره و کم و زیاد می‌شود.

۴- تعمیم‌پذیری: عاطفه بنفش در این شعر، «عاطفه بنفش را در تپش تنم بین» نه‌تنها به تن، بلکه به تپش تن نیز سرایت کرده است. پس تعمیم‌پذیری از این جهت

-
1. dissymetrie
 2. orientation
 3. reversibilite
 4. concession
 5. beance

تولید ارزش می‌کند که تنها یک گونهٔ زبانی را به خود محدود نمی‌کند، بلکه زمینهٔ توسعه و گسترش و تعمیم آن را در همهٔ فرایندهای زبانی فراهم می‌کند. این ویژگی سبب شده تا در روایت‌ها، کنش‌های روایی به کنش‌های دیگر روایت انتقال یابند.

۵- تجدیدپذیری: در تجدیدپذیری، ارزش‌ها می‌توانند فرصت تغییر و تحول یابند. بنابراین عاطفه بنفش می‌تواند جای خود را به عاطفه سرخ یا سبز دهد و راه را برای تولید و زایش جریان‌های ارزشی بگشاید. گونه‌های زبانی در خود متوقف نمی‌شوند و می‌توانند سبب تولید گونه‌های دیگری شود. بنابراین ارزش در مسیر متوقف می‌شود یا مورد بازنگری قرار می‌گیرد و راه را برای ایجاد ارزشی جدید می‌گشاید.

ارزش و کنش

ارزش از هر واژهٔ دیگری بهتر جوهر کنش را هویدا می‌کند. ارزش جوهر زبان است؛ یعنی یک صورت معنا ندارد، بلکه دارای ارزش است. در نتیجه سبب ایجاد ارزش‌های دیگر می‌شود (شعیری و آریانا، ۱۳۹۰: ۱۶۳). کنش‌های ارزش‌محور، کنش‌هایی هستند که دیگری را در فرآیند تولید ارزش قرار می‌دهند و او را مجاب به ارزش‌سازی از طریق کنش می‌کنند. این کنش‌ها یا مبتنی بر عبور از وضعیتی سلبی به وضعیتی ایجابی هستند و یا بالعکس. کنشگر در شرایطی قرار می‌گیرد که می‌تواند موقعیت خودش را بازتأیید کند. به گفتهٔ اریک لاندوسکی، «در چنین حالتی، کنشگر موفق می‌گردد تا همانی باشد که قبلاً نیز بوده است؛ اما این بار به گونه‌ای اغراق‌آمیز» (Landowski, 2004: 68). این گفته لاندوسکی نشان می‌دهد که کنش‌های ارزش‌محور، یا مبتنی بر عبور از وضعیتی سلبی به وضعیتی ایجابی هستند و بالعکس. برای مثال سیندرلا پس از ازدواج با شاهزاده به دو ارزش مهم یعنی ثروت و موقعیت دست می‌یابد. چنین امری یعنی عبور از شرایطی سلبی و پیوند با شرایطی ایجابی.

گرمس، بین ارزش‌های زبانی مبتنی بر تفاوت و ارزش‌های روایی مبتنی بر کنش‌های سوژهٔ معنادار، تمایز قائل می‌شود. او در بحث روساخت‌های زبانی، ما را با عناصری همچون کنشگرها، موضع‌گیری آنها در برابر ابژه‌ها، برنامه روایی، افعال وجهی یا مؤثر و غیره مواجه می‌کند که در نهایت منجر به شکل‌گیری ارزش می‌شوند (ر.ک: شعیری، ۱۳۹۱ ب). ارزش‌ها می‌توانند در رابطه تعاملی با هم فرایندی پویا را رقم بزنند که با حفظ

ویژگی جانشینی و همنشینی، نظام ارزشی پادارزش و ابرارزش تولید شود. نظام‌های کنش‌محور را می‌توان نوعی فرایند خودکار یا اجتماعی‌شده و به معنای کارکردی همسو با ارزش‌هایی دانست که همگان باور دارند. انطباق با کنش‌های اجتماعی، ما را با فرایندی مواجه می‌سازد که بیشتر هویت‌های جمعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

ارزش، فرارزش، هم‌ارزش، هایپرارزش و ترارزش

شعیری (۱۳۸۵) به نقل از ژاک فونتنی می‌نویسد: «برای شکستن هنجارهای رفتاری باید از احساس شروع کرد» (شعیری، ۱۳۸۵: ۱۹۸). هنجارهای رفتاری جدید، تولیدکننده ارزش‌های جدید خواهند بود. فرارزش به عنوان ارزش ارزش، ضامن و تکیه‌گاهی برای ارزش است و زمینه‌ساز آفرینش ارزش‌های جدید است؛ یعنی زمانی که فضای گفتمانی اجازه خلق ارزش‌های جدید را نمی‌دهد، ایجاد خلأیی ارزشی می‌کند که این خلأ، نوعی شکنندگی در باور را ایجاد می‌کند که در نتیجه آن کنشگر به جست‌وجو برای دستیابی به دنیایی با شرایط حسی- ادراکی متفاوتی می‌پردازد که بتواند ارزش‌های جدید و متفاوتی را بیوراند.

فونتنی و زیلبربرگ معتقدند که «فرارزش، حربه‌ای است که نظام‌های ارزشی و بار معنایی آنها را در گفتمان کنترل می‌کند و سبب بروز ارزش می‌شود» (Fontanile & Zilberberg, 1988: 12). فرارزش و ارزش می‌توانند حساسیت‌های جدیدی را رقم بزنند که در نتیجه آن، دنیایی با باورهای جدید و استوار بر حساسیت‌های متفاوت را خلق کنند (شعیری ۱۳۸۵: ۱۹۸-۱۹۹). اما یک چیز زمانی می‌تواند با چیز دیگر هم‌ارزش^۱ شود که دارای ارزشی معادل باشد و هایپرارزش^۲ زمانی اتفاق می‌افتد که ارزشی بتواند بالای ارزشی دیگر قرار گیرد و علاوه بر نقش ارزشی خود، نقشی برجسته‌تر در برابر آن ایفا کند و اگر ارزش یک چیز به چیز دیگر منتقل شود، ما درون نظام ترارزشی^۳ قرار می‌گیریم (همان، ۱۳۹۱: ۵۱۷-۵۱۸).

گفتمان ارزشی عیاری

آداب و راه و رسم عیاری بیش از هر چیزی مبتنی بر پیوند برادری و رفاقت در میان

1. Co- value/ equivalence
2. Hayper- value
3. Trans- value

افرادی است که در یک گروه و سازمان گرد هم آمده‌اند و به زبان خاصی در بین خودشان سخن می‌گویند. از ویژگی‌هایی این افراد، شجاعت، رازداری، امانت‌داری، تردستی، غذا دادن به مسکینان و کاربرد ماهرانه از ابزارآلات جنگی است. «در فرهنگ ایرانی، یکی از بارزترین جنبه‌های گفتمان عیاری، کنش عیاری و لوطی‌گری است که کنشگران برحسب مرام خود وارد کنش می‌شوند. بنابراین اخلاق پهلوانی، خیر از سبک حضور کنشگر در رابطه با دیگری را نشان می‌دهد و به بخشی از فرهنگ یک جامعه تبدیل می‌شود. در این زمینه می‌توان به یکی از قصه‌های عامیانه ملی استناد کرد. در قصه معروف چوپان دروغگو نیز مرام و اخلاق روستاییان، زمینه اصلی کنش را تشکیل می‌دهد که به محض شنیدن فریاد چوپان دروغگو، به سوی او می‌شتابند» (خراسانی، ۱۳۸۹: ۶۱). همچنین رابطه سمک عیار با مردم عادی و دیگری حتی دیگری‌ای که ضد کنشگر است، بر مبنای جوانمردی است. ویژگی‌های جوانمردی با تمام مؤلفه‌های خود در وجود کنشگر هویداست و باعث محبوبیت کنشگر عیار در تمام آفاق می‌شود.

گفتمان ارزشی اخلاقی

لویناس (۱۹۹۰)، واژه فرانسوی «ethique» را تقریباً در همه موارد به صورت صفت به کار برده است، یعنی «اخلاقی». نگاه لویناس به اخلاق، نگاهی پدیدارشناختی است. او با استفاده از روش توصیف پدیدارشناختی، موقعیت انسان را در برابر انسان دیگر از منظر اخلاقی توصیف می‌کند، بی‌آنکه با مفاهیم عقلانی مثل جوهر، عقل، ذات و غیره به نظریه‌پردازی درباره رابطه انسان با انسان دیگر همت بگمارد. اخلاق از دید اسپینوزا^۱، خیر غایی و حقیقی است. او هیچ‌چیز را ذاتاً خوب یا بد نمی‌انگارد، بلکه آنها را مفاهیمی نسبی می‌داند (ر.ک: اسپینوزا ۱۴۰۰).

گفتمان اخلاقی یا اخلاق محور، گفتمانی هوشمند است که در آن کنشگر بر اساس اصولی اخلاقی و باور بنیادی که در وجودش ریشه دوانده، خود را ملزم به تحقق کنش می‌داند (شعیری، ۱۳۸۶: ۱۱۳). در واقع در گفتمان اخلاقی، کنشگر خود را نادیده می‌گیرد و دیگری را در کانون توجه قرار می‌دهد. فونتنی معتقد است که گفتمان اخلاقی «در مورد انسانی متعهد به کنش مطرح می‌گردد که کنش او صرفاً دارای آثاری باشد که هم

1. Spinoza

خود او، هم کنش و هم اهداف او را پشت سر گذاشته، صرفاً به روی ایده‌آل و دیگری متمرکز گردد؛ یعنی جریانی تعمیم‌پذیر را به وجود آورد» (Fontanile, 2008: 239). در واقع هدفی را که کنشگر نشانه می‌گیرد، نوعی زیادت کنش است؛ یعنی عملی فراکنشی است و به دنبال ارزش است.

گفتمان اخلاقی و دیگری

در فلسفه لویناس، اخلاق عبارت است از «زیر سؤال بردن خودانگیختگی من به وسیله حضور دیگری» (دیویس، ۱۳۸۶: ۷۵). وی معتقد است که اخلاق راستین و کامل را نه در عرصه حلول خود یا همان، بلکه بایستی در عرصه تعالی یا استعلای^۱ دیگری یافت. از دیدگاه لویناس (۱۹۹۴)، اول دیگری را در ذهن خود می‌پرورانیم و به او جایگاهی برتر می‌دهیم و سپس بر اساس آن وارد عمل می‌شویم (ر.ک: علیا، ۱۳۸۸). به گفته لویناس، اخلاقی نمی‌تواند وجود داشته باشد، مگر اینکه فقط مبتنی بر دیگری باشد و دیگری در این حالت بر عقلانیت غلبه دارد و دیگری حضوری استعلایی دارد. در واقع ما با جریان همان و دیگری مواجه‌ایم، اما هویتی که بر گذر از خود و نزدیک شدن به دیگری اصرار داشته باشد. همچنین سجودی معتقد است که خود و دیگری در عمل مناسبات بین فرهنگی همیشه دخیل بوده است و بدون آن تصور فرهنگ ناممکن می‌نماید؛ زیرا فرهنگ، مفهومی قائم به وجود دیگری فرهنگی است. در این منش همیشه ردی در دیگری و ردی از دیگری در خود وجود دارد و این خود و دیگری در عین حفظ تمایز، پیوسته وابسته به یکدیگرند (سجودی، ۱۳۸۸: ۱۵۶).

خلاصه داستان سمک عیار

مرزبان شاه، حاکم حلب در آرزوی داشتن فرزندی است. او باتوجه به طالعش با گلنار، دختر حاکم عراق ازدواج می‌کند. از این پیوند، پسری بسیار زیبا متولد می‌شود. او را خورشید می‌نامند. خورشیدشاه در هفده‌سالگی، عاشق مه‌پری، دختر فغفور چین می‌شود. پس از آن در پی مه‌پری به چین می‌رود و با عیاران آشنا می‌شود. داستان سمک، نقل عیاری‌ها و جنگ‌های طولانی سمک برای وصال خورشیدشاه با مه‌پری است. در طول این سال‌ها، مه‌پری و خورشیدشاه بارها و بارها از هم جدا می‌شوند؛ اما در پایان به وصال هم

1. transcendence

تحلیل نظام ارزشی اخلاق در گفتمان ...؛ عفت سرلک و همکاران / ۱۳

می‌رسند. مه‌پری هنگام وضع حمل همراه با فرزند می‌میرد، اما همچنان جنگ‌ها، خون‌ریزی‌ها، عیاری‌ها و ترفندهای سمک و یاران، محور اصلی داستان باقی می‌ماند. از ازدواج خورشیدشاه و آبان‌دخت، دختر یکی از زنهارداران داستان، کودکی به نام فرخ‌روز متولد می‌شود. در طالع فرخ‌روز می‌بینند که او بارها از پدر و مادر جدا می‌شود؛ ولی سرانجام آنها را بازمی‌یابد و هشتاد سال بر مناطق وسیعی فرمانروایی می‌کند. دشمنان سمک از جمله قطران از دست عیاری‌های او ناتوان می‌شوند و به جادوگران پناه می‌برند. دشمنان، آبان‌دخت و فرخ‌روز را می‌دزدند و مادر و فرزند را از هم جدا می‌کنند. سمک به جست‌وجوی آنها می‌رود و خورشیدشاه به پاس همه زحمات‌ها و جسارت‌های سمک، او را عالم‌افروز می‌نامد.

پس از بالیدن فرخ‌روز و عاشق شدن بر زیباترین دختر داستان به نام گلبوی، طوطی‌شاه دختر را می‌رباید و جنگ‌ها ادامه می‌یابد خورشیدشاه در بیشتر این نبردها به پیروزی می‌رسد و بر مناطق تحت سلطه او افزوده می‌شود. گلبوی چندین سال در اسیری به سر می‌برد. هر بار که سمک او را آزاد می‌کند تا به فرخ‌روز برساند، باز گرفتار می‌شود و این دوری ده سال به طول می‌انجامد. سمک برای آزادی مردان‌دخت، یکی از پهلوانان زن داستان، به سرزمین پریان می‌رود و پس از گشودن طلسم‌هایی، حاکم سرزمین پریان را شکست می‌دهد. کرینوس دشمن خورشیدشاه، برادرش قاطوس را در جنگ از دست می‌دهد و به انتقام خون برادر، خورشیدشاه را می‌کشد. با کشتن خورشید شاه عادل، طوفان عظیم و سیاهی برمی‌خیزد و تا دو روز ادامه می‌یابد و چندین هزار نفر کشته می‌شوند. زنی به نام تاج‌دخت، برادرش را در جنگ با خورشیدشاه از دست می‌دهد و فتنه‌ها و آشوب بسیاری ایجاد می‌کند. او سر چهار زن فرخ‌روز را به شکل دردآور جدا می‌کند. در پایان ناتمام این داستان، سمک از شکست فرخ‌روز آگاه می‌شود (ر.ک: طغیانی و پوده، ۱۳۹۶).

تحلیل نظام ارزشی اخلاقی در سمک عیار

گفتمان اخلاقی از جمله گفتمان‌هایی است که در داستان سمک عیار به وفور دیده می‌شود. بسیاری از کنش‌های عیاری در خدمت خلق ارزش اخلاقی انجام شده است.

گفتمان در داستان سمک عیار، همچون دیگر گفتمان‌ها، پویا و زنده است و در دل خود هر لحظه ارزشی جدید را بازآفرینی می‌کند. نقصان و بحران‌های ارزشی، جای خود را به فرارزش‌ها می‌دهند. به نظر گرمس، ما با فرایندی مواجه‌ایم که در آن «با همان شتابی که کنشگر به استقبال ابژه ارزشی می‌رود، ابژه ارزشی نیز به شیوه‌ای گشتالتی برای به آغوش گرفتن کنشگر، لحظه‌شماری می‌کند» (Greimas, 1987: 28). گفتمان عیاری از تلاقی کنش و نظام‌های ارزشی غیر منتظره و جدید شکل می‌گیرد. بنابراین تنها بررسی ساختار روایی آن برای رسیدن به نظام ارزشی آن کافی نیست؛ زیرا اخلاقی فراتر از کنش است و همواره از کنش عبور می‌کند تا به هدفش برسد.

در این بخش با بررسی قسمت‌هایی از داستان سمک عیار، برای این که مشخص شود که ارزش‌ها و فرارزش‌های اخلاقی که کنش‌های موجود در گفتمان روایی سمک عیار سبب شکل‌گیری، خلق و گسترش آنها شده، داده‌ها تحلیل می‌شوند. در سرتاسر داستان، آنچه برای سمک ارزش است، رسیدن به غایت کار است که همواره با ارزش اخلاقی و دیگرمحوری پیوند خورده است.

ارزش‌های اخلاقی

۱- «سمک عیار بالای سروی ایستاده بود. گفت چند گوئید که قطران مردی عظیم است؟ اگر شاه دستوری دهد، من امشب قطران را بسته بیارم. شغال بانگ بر سمک زد و گفت: چرا چیزی که نتوانی کردن، می‌گویی. سمک عیار گفت: ای استاد به همت تو و اقبال شاهزاده، یزدان عقل داده است مرا که آنچه گویم بتوانم» (ارجانی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۹۵).

- ارزش برگشت‌پذیری: یکی از شرایط تکمیلی تولید و شکل‌گیری ارزش برگشت‌پذیری است؛ زیرا خواننده را با شدت و فشاره بالای عاطفی مواجه می‌سازد. قطران، ضد کنشگری بسیار قدرتمند است و مبارزه با او، کاری سخت است و بسته آوردن او، امری است تقریباً محال؛ اما سمک عیار به همت استاد و اقبال شاه در پی شکست آن است. این قدرتمندی قطران و تلاش سمک برای شکست دادن آن برای خواننده، فضای احساسی عاطفی با فشاره بالا را تولید می‌کند و موجب خلق ارزش اعتباری برگشت‌پذیری می‌شود.

تحلیل نظام ارزشی اخلاق در گفتمان...؛ عفت سرلک و همکاران/ ۱۵

- ارزش مامحوری و دعوت به مشارکت: کنش سمک عیار در پی شکست قطران نه تنها به خاطر شخص سمک عیار -«من»- انجام می‌شود، بلکه اگر استاد و دیگران نیز -«ما»- کمک کنند، به وقوع می‌پیوندد. بنابراین نظام گفتمانی من‌محور به نظام گفتمانی مامحور تبدیل می‌شود. تجربه اخلاقی می‌تواند مشارکتی باشد، زیرا سازوکار مبارزه با قطران، سازوکاری مشارکتی است. این جمع‌محوری نشان می‌دهد که اخلاقی نگاه فراتر از خود دارد و این توجه به دیگری باعث ایجاد تعمیم‌پذیری نیز می‌شود. سمک عیار با وجود «دیگری» و «جمع»، یعنی استاد و جامعه، خودش را معنا می‌کند. بهمنی (۱۳۹۶) معتقد است که عیاران، همکاری را به بهترین شکل ممکن به نتیجه می‌رسانند و این منسجم شدن را به دلیل محبت و صداقتی می‌داند که پیمان اخوت بین آنها جاری ساخته است (بهمنی ۱۳۹۶: ۲۹).

- ارزش تعمیم‌پذیری: ارزش جمع‌محوری و نگاه به فراتر از خود تعمیم‌پذیری را خلق می‌کند؛ زیرا توجه به دیگری را شکل می‌دهد که این دیگری، بیرون از من است. پس برای رفع نقصان یا مبارزه با قطران، عیار نظام ارزشی جمع‌محوری را خلق می‌کند و فرارزشی را می‌سازد که با گذشت زمان می‌تواند در دل جامعه و فرهنگ رخنه کند و تعمیم‌پذیر باشد. بنابراین هر ارزش اخلاقی مانند عمل پهلوانی درباره «انسانی متعهد به کنش مطرح می‌شود که کنش او صرفاً نتایجی دارد که هم خود او، هم کنش و هم اهداف او را پشت سر گذاشته و صرفاً به روی ایده‌آل دیگری متمرکز شود؛ یعنی جریان‌ی تعمیم‌پذیر را به وجود آورد» (Fontanille, 2008: 1).

- ارزش اسطوره‌محوری و احترام به استاد یا مرشد: اسطوره استاد در این کنش دیده می‌شود. سمک عیار شرط موفقیت خود در شکست قطران را کمک استاد می‌داند. بنابراین کنش به واسطه همت استاد شکل می‌گیرد. قهرمان و پهلوان عیار با احترام به استاد، او را به مشارکت و کمک فرامی‌خواند. استاد سمک می‌داند که قطران ضد کنشگری قدرتمند است و حس می‌کند که انجام چنین کنش سختی نمی‌تواند کار سمک عیار باشد. کنشگر، همت استاد و کمک دیگر کنشگران را در انجام کنش، بسیار تأثیرگذار می‌داند.

- ارزش نفوذپذیری: یکی از ارزش‌های اخلاقی یا رفتار اخلاقی در جهت اقناع‌سازی و

اثرگذاری است. در واقع، نفوذ استاد بر سمک عیار و باور سمک به همت استاد است که راه را برای موفقیت می‌گشاید.

- ارزش تعالی‌محوری و استعلا: اخلاقی در فرهنگ ما برای تولید و خلق ارزش، نگاهی استعلایی دارد مبنی بر اینکه اگر خداوند عالم یا همان نیروی برتر بخواند، من قادر به انجام این کار خواهم بود. از آنجا که سمک عیار معتقد به قدرت آن نیروی برتر است، توانایی انجام آنچه را می‌گوید، دارد. بنابراین عیار علاوه بر ارزش‌های خود، باورها و اعتمادی که به خود دارد، قدرت لایزال را نیز فرامی‌خواند تا او را یاری کند.

- ارزش ریسک‌پذیری: سمک از طریق به خطر انداختن خود و ریسک کردن می‌خواهد به دیگران کمک کند. در واقع کنشگر، خود را نادیده می‌گیرد و جان خود را به خطر می‌اندازد تا آنچه به نفع جمع و دیگران است صورت گیرد؛ زیرا چنین رفتاری از باور سمک نشأت می‌گیرد؛ هر چند می‌داند خطراتی وجود دارد، باز هم تصمیم به رفتن و انجام کنش دارد. این کنش عیار (سمک) از ارزش‌های نظام گفتمانی اخلاقی است.

- ارزش دگرمحوری: سمک، تمامی ارزش‌ها و موارد قیدشده در بالا، از جمله ریسک‌پذیری، تعالی‌محوری، اسطوره‌محوری و جمع‌محوری را در کنش‌های خود در نظر می‌گیرد تا به هدف غایی خود که همان دگرمحوری است برسد. سمک از طریق کنش مبارزه کردن با قطران، خود را نادیده می‌گیرد و در پی ارزش نهادن به دیگران است؛ زیرا دستگیر کردن قطران به نفع جمع است و اینگونه وجود جمعی در آرامش قرار می‌گیرد. بنابراین سمک برای شکست دادن قطران، علاوه بر آنکه ارزش یاری خواستن از بزرگان و اساتید را در نظر می‌گیرد، آن را برای خلق ارزش دگرمحوری انجام می‌دهد.

- ارزش تجدیدپذیری: خودمحوری از ارزش‌های رایجی بوده که در حال حاضر عیار آن را به دگرمحوری تغییر داده است. بنابراین خودمحوری علی‌رغم قدرت بالایی که دارد، تبدیل به دگرمحوری می‌شود و این به مفهوم تجدیدپذیری است که سبب ایجاد این ارزش می‌شود.

- ارزش پیشگامی: پهلوان یا همان سمک عیار برای انجام این کنش که در نهایت باعث آرامش دیگران و جمع می‌شود، پیش‌قدم و پیشگام شده است (من امشب قطران را بسته ببارم). پیشگامی از دیگر ارزش‌های اخلاقی است؛ زیرا عیار برای انجام کنش پیشنهاد می‌دهد و خود در این راه پیش‌قدم می‌شود.

- ارزش جهت‌مندی: عیار با مشاهده نقصان که همان حضور قطران ظالم است، عهد و پیمانی می‌بندد تا کنشی را انجام دهد که در نتیجه آن، شکست یا پیروزی را تجربه کند. ارزش شکل‌گرفته، جهت‌مند نیز می‌باشد، زیرا جهت‌مندی روی احساس، تجربه شناختی و باورهای شغال اثر می‌گذارد و او را در مسیر ویژه‌ای قرار می‌دهد؛ مسیری که کمک کند به پیروزی نائل گردد.

۲- «سمک عیار قدح شراب از دست آتشک آورد و چنان نمود که موی در پس گوش می‌نهد. بیهوشانه در میان انگشتان آورد و در قدح افکند. پیش مقوقر بایستاد و او را دعا گفت و بستود. پس گفت: ای پهلوان بسیار مردمی و نیک‌محضری و نیک‌سیرتی با ما نمودی. و احوال تو می‌شنیدم که نام نیکی تو می‌گفتند... پس هر که افتاده بودند، سمک عیار و آتشک سر ایشان می‌بریدند» (ارجانی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۱۹-۱۲۰).

- ارزش اعتمادسازی: عیار قبل از انجام هر کنشی، سعی در جلب اعتماد دشمن و اثرگذاری بر ذهن او دارد تا اینگونه به آرمان خود برسد. دعا کردن و ستودن و نیک سخن گفتن از آن جهت است که اعتماد دشمن را به خود جلب کند. این هدف همچون دیگر اهداف عیار در راستای منفعت جمعی است.

- ارزش درایت و تدبیراندیشی: هدف سمک، تسخیر قلعه است. درایت و تدبیراندیشی، یکی از ارزش‌های شکل داده شده برای انجام این کنش است. سمک برای رفع نقصان و دستیابی به هدف، کنش‌هایی (استفاده از بیهوشانه در قدح شراب مقوقر و اطرافیان) را انجام می‌دهد که بر پایه نظام ارزشی تدبیر پیش می‌روند و از این طریق، این نظام ارزشی را تعمیم می‌دهد.

برگشت‌پذیری نیز در این نظام ارزشی وجود دارد، زیرا ریسک‌پذیری، فشاره عاطفی بالایی را تولید می‌کند و آن را با احساسات معمولی و نرم و ملایم متمایز می‌کند و دیگرانی را که در این محدوده فشاره‌ای قرار نمی‌گیرند، از دایره خود کنار می‌گذارد.

خلق نظام ارزشی تدبیر و ریسک‌پذیری نه‌تنها در این کنش، بلکه در کنش‌های دیگر در طول روایت دیده می‌شود. سمک و دیگر عیاران در انجام کنش‌های خود، تدبیر و ریسک‌پذیری را مبنای انجام فعالیت‌های خود قرار می‌دهند و این نظام‌های ارزشی نه‌تنها در فتح قلعه، بلکه در کنش‌های دیگر نیز سرایت می‌یابد. از این بابت می‌توان

گفت که این ارزش، تعمیم‌پذیر نیز می‌باشد. به علاوه زمانی که تکیه بر ترس و درگیر شدن با باور ترس، ضامن رسیدن به هدف و ارزش نمی‌شود، سمک عیار، این نقصان را سبب خلق ارزشی نو و بدیع می‌داند تا از این طریق فضایی ایجاد شود که برای ایجاد و تولید ارزش‌ها متفاوت باشد. از این دید، نظام ارزشی تدبیر و ریسک‌پذیری تجدیدپذیر است؛ زیرا حساسیت‌ها و در نتیجه کنش‌هایی را به وجود می‌آورد که نظام ارزشی قبل که همان بی‌تدبیری و ترس است، کنار گذاشته شود و دنیایی با باورهای جدید و استوار بر نظام ارزشی جدید خلق شود.

۳- «سمک عیار بخندید و گفت: اکنون کار از دست رفت. اگر نرویم ما را هلاک کنند. کسی هست که به فریاد ما رسد؟ ناچار ما را ببايد رفتن و اگر از آن می‌ترسی که ترا شراب دهند، من رها نکنم. هرچه نصیب تو باشد، من بازخورم و مست نگردم» (الارجانی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۱۸).

- ارزش سلبی و ایجابی: در ابتدای گفتمان، نظام خطرپذیری به چشم می‌خورد و کنشگران در تقابل بین ماندن و رفتن هستند. سمک با مشاهده شرایط، کنشی ارزشی را انجام می‌دهد و از موقعیت سلبی (ماندن) به ایجابی (ماندن) تغییر وضعیت می‌دهد. بنابراین تجدیدپذیری ارزش، راه را برای تولید و زایش یک جریان ارزشی دیگر می‌گشاید. ارزش‌ها در وضعیتی سلبی سبب تولید ارزشی ایجابی می‌شوند. سمک، ماندن و همراه بودن و تنها نگذاشتن یاران خود را ترجیح می‌دهد.

۴- «عالم افروز (سمک) گفت: ای دریغا این آزادمردان! من شما را می‌آزمودم تا چه می‌گویید؛ عیاری خود آن دانید که کاردی بر یکی زنید و به شب به در سرای کسی روید و یکی را بکشید؟ مردی آن است که گلبوی را از میان چندین هزار سوار که راه بر ما گرفته‌اند، بیرون برید... ایشان گفتند: ای پهلوان، چگونه شاید بردن؟» (همان، ج ۴: ۹).

- ارزش جوانمردی و مردانگی: سمک عیار، تقابل ارزش‌ها را در ساحت دوگانه نظام ارزشی مردی و نامردی به خوبی نمایان می‌سازد. کنشگر به دنبال دستیابی به معیار ارزشی ایده‌آل‌سازی مردانگی است. عملی فراکنشی را رقم می‌زند و ریسک‌پذیری را تنها با هدف «دیگری» تعریف می‌کند. کنش او برای رسیدن به دگرم‌محوری است. سمک،

عیاری را تنها کنش کارد زدن بر دیگری (دشمن) نمی‌داند؛ بلکه ارزش بالاتر را در نظام ارزشی دگرمحوری می‌داند. این ارزش بیانگر روحیه همبستگی و اخلاق فردی در کنشگر است که سرچشمه کنش اوست؛ بنابراین برگشت‌پذیری دارد و کنشگر در این حال نسبت به دیگر کنشگران دارای بار عاطفی شدیدتری است. بنابراین عبور سوژه (کنشگر) از خود و در پرسپکتیو قرار دادن دیگری (گلبو) و کنش خود را در خدمت جریانی فراخود قرار دادن است که حضوری زیبایی‌شناختی را رقم می‌زند.

۵- «عالم افروز نوشت: ای شاه بدان که آمدم و گلبوی ببرد. زنه‌ار اگر جان خود را دوست داری، دیگر بدو میل مکن. آن کس که در این حال به شبستان تو درآمده است، به کشتن تو تواناست. لکن چون از تو زبانی ندیدم، لاجرم قصد جانت نکردم. ما از شهر بیرون رفتیم، به کسی گمان بد مبر و ظلم مکن» (ارجانی، ۱۳۶۳، ج ۳: ۲۳۹-۲۵۳).

- ارزش مروت و عدالت: از دیگر نظام‌های ارزشی که می‌توان برای اخلاقی قائل شد، مروت و دوری از ظلم و ناحقی است. عیار هرچند در جایگاه قدرت و توانایی قادر به کشتن شاه است، به نظام ارزشی پهلوانی خود مبنی بر اینکه نباید به ضعیف ظلم کرد، پایبند است. در اینجا ارزش و هم‌ارزش بودن به وضوح پیداست؛ زیرا نجات دیگری (گلبوی) برای کنشگر به عنوان یک ارزش است و جان ضد کنشگر (شاه) نیز هم‌ارزش با رهایی گلبو است. سمک به ضد کنشگر شاه توصیه می‌کند که در قبال نجات دیگری، او را نمی‌کشد. بنابراین بحث مبادله توجیه‌پذیری ارزش‌ها درون نظام‌های گفتمانی مطرح می‌شود. هر ارزشی تحت پوشش یک چتر ارزشی قرار دارد که شرایط دسترسی به آن ارزش را تعیین می‌کند. سمک به شاه اعلام می‌دارد که ما دختر را بردیم، پس بر دیگری ظلم مدار و دیگری را تنبیه مکن. اینگونه او نشان می‌دهد که پاسخ کنش او را نباید کس دیگری به ناحق بدهد.

۶- «شغال گفت: حد جوانمردی از حد فروزنت، اما آنچه فروزنت هفتاد و دو طرف دارد و از آن دو را اختیار کرده‌اند. یکی، نان دادن و دوم، راز پوشیدن» (همان، ج ۱: ۲۶).

در این گفتمان باز شاهد مروت، جوانمردی و مرام کنشگر هستیم. هرچند کنشگر، جوانمردی را فرارزش می‌داند، ارزش بالاتر از جوانمردی را نان دادن و راز پوشیدن می‌داند که هایپرارزش است.

عیاری همان‌گونه که گشایش ایجاد می‌کند، سبب ایجاد چشم‌انداز و خرد جمعی نیز می‌شود؛ می‌تواند انسداد نیز بیافریند. در نمونه بالا، تقلیل‌گرایی (کنش نان دادن و راز پوشیدن) ایجاد انسداد می‌کند که در جهت مقبولیت و برجستگی است؛ زیرا این تقلیل‌گرایی، ذات مثبت دارد و در خدمت برجسته‌سازی کنش به کار رفته است.

۷- «سمک گفت: ای شاه، جوانمردان دروغ نگویند و اگر سر ایشان در آن کار برود. این کار من کرده‌ام. به سرای شاه آمدم و دختر را دست بر وی ننهادم ... تا پیش ترا به گواهی یزدان به خواهری و برادری با وی گفتم. در این جهان و در آن جهان، مرا خواهرست و این کار بهر آن کردم که با خود اندیشه کرده بودم» (ارجانی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۴۸).

- ارزش راستگویی: از دیگر ارزش‌های اخلاقی که عیار آن را از ویژگی‌های جوانمردی می‌داند، راستگویی است، حتی اگر به زیان جوانمرد باشد و او را در مهلکه قرار دهد. سمک گفت: «... ما سخن‌الّا راست نتوانیم گفتن که نام به جوانمردی رفته است» (همان: ۶۳-۶۴). سمک، جوانمردی را فرارزش و راستگویی را ابرارزش می‌داند. بنابراین راستگویی موجب خلق ارزش اعتباری بی‌قرینگی می‌شود و زمینه متمایز بودن و بازشناخته شدن عیار را در جامعه نشان می‌دهد. بی‌قرینگی از پیش‌شرط‌های ارزش است و بنیان‌های ارزش بر بی‌قرینگی استوار است. البته که عیاران در مقابل دشمن با دور کردن آنان از واقعیت، مرز بین دروغ و واقعیت را برای آنان به هم می‌ریزند (بهمنی ۱۳۹۶: ۳۵). این همان تدبیر آنهاست که در شرایط حضور دشمن دروغ‌گویی که همواره ضد ارزش است، برای آنها ارزش تلقی می‌شود تا از این طریق به هدف نهایی خود که همان نفع جمعی و دگرم‌حوری است دست یابند؛ اما در مقابل دوستان و هم‌پیمانان و آنان که در جرگه خود هستند، جز به راستگویی اقدام نکنند. سمک عیار برای پیشبرد قصد خود نظام ارزشی مجاب‌سازی (اعتماد‌سازی) را وضع می‌کند. بنابراین سمک،

گفتمانی را انتخاب می‌کند که اثرگذاری بیشتری داشته باشد، (مرا خواهرست) یعنی بر جهان ذهنی دیگری اثرگذار باشد و اعتماد او را جلب کند.

۸- «سمک در گفتار ایشان بازمانده بود. با خود می‌گفت: عاقل جوانیست تا مادرش گفت ای فرزند، سوگند خور تا دل من ایمن باش. سوگند خورد به یزدان دادار کردگار که [من] سرخورد با سمک و هواخواهان او و دوست‌داران او غدر نکنم... اگر کاری افتد، جان تسلیم کنم» (ارجانی، ۱۳۶۳، ج: ۱: ۱۵۰).

- ارزش سوگند خوردن: سمک، کنشگری است که شهرت جوانمردی او سبب شده است تا دیگری همچون سرخورد به جرگه عیاران بپیوندند. ورود به جرگه عیاری، خود ارزش است. سوگند خوردن به ایزد منان که قابلیت ارزشی بالایی دارد، سبب استعلا کنشگر از یک ارزش فروتر به ارزشی فراتر یعنی ارزش استعلایی و عیار شدن می‌شود و ویژگی تعمیم‌پذیری دارد. سرخورد که ابتدا باید در میان جوانمردان سوگند یاد کند که خیانت نکند، با کنشگر عیار، دوست و با ضد کنشگر عیار، دشمن باشد. حال تبدیل به کنشگری عیار می‌شود که توانسته به استعلا و ایده‌آلی که در آرزوی رسیدن به آن بوده است برسد و هویت جدید پیدا کند که ارزشی کیفی و زیستی دارد.

الگوی نظام ارزشی اخلاقی در سمک عیار

برای ارزش‌های بررسی‌شده در تحلیل داده‌ها می‌توان صورت ساختاری و کارکرد معنایی در نظر گرفت. برای نمونه صورت ساختاری مشارکت سبب خلق کارکرد معنایی احترام به دیگری جمعی است. همچنین صورت ساختاری چندوجهی که می‌تواند همزمان بیانگر چند ارزش همچون خرد، مردانگی، بزرگی، شجاعت، نصیحت و پند دادن باشد، می‌تواند کارکرد معنایی گسترشی خلق کند و سبب توسعه اندیشگانی و فراندیشه‌ای شود. این موارد در جدول (۱) مشخص شده است.

جدول ۱- صورت ساختاری و صورت معنایی ارزش‌های اخلاقی در گفتمان عیاری

صورت معنایی	صورت ساختاری	ارزش‌های تولیدشده اخلاقی
جمع‌گرایی، احترام به دیگری جمعی گاهی تنشی	مشارکت افزایشی	ارزش مامحوری / و دگر محوری / ارزش برگشت‌پذیری
ایجاد چشم‌اندازی نو، خرد جمعی، دوران‌دیشی فداکاری، از خود گذشتگی، کنش در خدمت کمک به دیگری جمعی	گشایشی چندوجهی (مردانگی، دگر محوری، شجاعت، اندیشه، توانمندی)	ارزش تعمیم‌پذیری / ارزش نفوذ‌پذیری ارزش ریسک‌پذیری / ارزش پیشگامی
گسترشی، فراکارکردی، فرااندیشه‌ای	چندوجهی (احترام، عظمت، اندیشه)	ارزش اسطوره‌محوری
تضمین کنش استمرار، تداوم کنش	باور و یقین زایش	ارزش تعالی‌محوری / ارزش سوگند به نیروی برتر / ارزش تجدیدپذیری
دستیابی به هدف و رفع نقصان	اندیشه‌محوری	ارزش درایت و تدبیراندیشی / ارزش جهتمندی / ارزش سلبی و ایجابی
حق‌گرایی همسویی هم‌ترازی با اندیشه و خرد، صداقت‌محور	هم‌سطحی روابط قدرت تطابق حرف و عمل	ارزش مروت و عدالت / ارزش جوانمردی و مردانگی / ارزش راست‌گویی و اعتمادسازی

نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر به بررسی نظام ارزشی اخلاق در داستان سمک عیار بر اساس نشانه معناساختی پرداخته شد. داستان سمک عیار از گونه داستان‌هایی است که بر اصل

کنش استوار است. بررسی ارزش‌ها در گفتمان مورد بررسی گویای این است که نشانه‌ها، گونه‌هایی مکانیکی، ایستا و دارای معناهای تثبیت‌شده نیستند؛ بلکه فرایندی شکل می‌گیرد که تجربه ناب کنشگر و جریان زنده شکل‌گیری ارزش‌ها را محقق می‌سازد. علاوه بر ارزش‌هایی که مبتنی بر تمایز و تفاوت هستند، ارزش‌های دیگری همچون بی‌قرینگی، جهت‌مندی، برگشت‌پذیری، تعمیم‌پذیری و تجدیدپذیری سبب تولید ارزش می‌شوند. حضور قدرتمند کنشگر اصلی داستان (سمک عیار)، بنیان نظام‌های ارزشی گفتمانی را که بر اساس فرایند پویا و سیال و برای رسیدن به ارزش و فرارزش است، رقم می‌زند. کنشگر، کنش خود را با پیروی از نظام ارزشی اخلاقی مرامی در جهتی پیش می‌برد که در نهایت به نفع دیگری و در راستای آرامش جمعی است و در این نگاه جمعی آرمان‌خواهی می‌کند. بنابراین کنش تنها وسیله‌ای است برای رسیدن به آرمان. در واقع کنشگر با گذشتن از خودمحموری به مامحموری در واقع ارزشی را جایگزین ارزش دیگری کرده است، که این جابه‌جایی ارزش‌ها در راستای حل چالش و بحران در داستان یعنی شکست ناکنشگر قطران است.

منابع

- ارجانی، فرامرز بن خداد بن عبدالله کاتب (۱۳۶۳) سمک عیار، جلد ۱ تا ۵، مقدمه و تصحیح پرویز نائل خانلری، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- اسپینوزا، باروخ (۱۴۰۰) اخلاق، ترجمه لیلا امانت ملایی، تهران، ترنگ.
- افشاری، مهران (۱۳۹۴) فتوت‌نامه‌ها و رسائل خاکساریه (سی رساله)، تهران، چشمه.
- بهار، مهرداد (۱۳۶۰) «ورزش باستانی ایران و ریشه‌های آن»، چیستا، سال اول، شماره ۲، ص ۱۴۰.
- بهمنی، کبری (۱۳۹۶) «تحلیل روایی عیاران و ارائه الگوی معنایی آن بر اساس ابومسلم‌نامه»، دوفصلنامه روایت‌شناسی، سال اول، شماره ۱، صص ۲۷-۵۰.
- پناهی، مهین (۱۳۸۸) «جوانمردی، مترادف‌ها و مؤلفه‌های آن در متون عرفانی»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، شماره ۴، صص ۲۱-۲۲.
- پوشنه، آتنا (۱۳۹۱) «نظام ارزشی در گفتمان اخلاقی بر اساس داستان در خم راه»، دومین همایش ملی نقد ادبی با رویکرد نشانه‌شناسی (ادبیات)، دانشگاه تربیت مدرس.
- دیویس، کالین (۱۳۸۶) درآمدی بر اندیشه لویناس، ترجمه مسعود علیا، تهران، حک.
- حاج حیدری ورنوس فادراتی، فاطمه و دیگران (۱۴۰۱) «ردپای تجدد سیاسی در داستان امیر ارسلان»، دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه، سال دهم، شماره ۴۴، صص ۱۸۱-۲۱۶.
- خراسانی، فهیمه (۱۳۸۹) بررسی ساختار روایی داستان سیاوش بر پایه نظریه نشانه معنانشناسی روایی گرمس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، استاد رهنما دکتر غلامحسین‌زاده، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- دوسوسور، فردینان (۱۳۸۰) «مبانی ساخت‌گرایی در زبان‌شناسی»، ترجمه کورش صفوی، در ساخت‌گرایی، پس‌ساخت‌گرایی و مطالعات ادبی، به کوشش فرزانه سجودی، تهران، حوزه هنری.
- ساک، محمدرضا و رضا کماسی (۱۳۹۳) «بررسی تطبیقی آیین عیاری در ایران و شوالیه‌گری در غرب»، مطالعات ادبیات تطبیقی، سال هشتم، شماره ۳۲، صص ۷۹-۹۶.
- سجودی، فرزانه (۱۳۸۸) نشانه‌شناسی: نظریه و عمل، تهران، علم.
- شعیری، حمیدرضا (۱۳۸۵) تجزیه و تحلیل نشانه-معناشناختی گفتمان، تهران، سمت.
- (۱۳۸۶) از نشانه‌شناسی ساخت‌گرا تا نشانه معنانشناسی، نقد ادبی، شماره ۸، صص ۵۱-۳۳.
- (۱۳۹۱ الف) نشانه-معناشناسی دیداری، تهران، سخن.
- (۱۳۹۱ ب) «نظام ارزشی گفتمان ادبی: رویکرد نشانه-معناشناختی»، نامه نقد/مجموعه مقالات دومین همایش ملی نقد ادبی با رویکرد نشانه‌شناسی ادبیات.

شعیری، حمیدرضا و دینا آریانا (۱۳۹۰) «چگونگی تداوم معنا در چهل نامه کوتاه به همسرم از نادر ابراهیمی»، فصلنامه نقد ادبی، س ۴، ش ۱۴، صص ۱۶۱-۱۸۵، مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس.

شعیری، حمیدرضا و فاطمه سیدابراهیمی (۱۴۰۰) «نقد ترجمه کتاب سیر نشانه‌شناسی: از نشانه‌شناسی سخت تا نشانه انسان‌شناسی نرم»، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال بیست‌ویکم، شماره اول، صص ۱۷۷-۱۹۹.

شعیری، حمیدرضا و ترانه وفايي (۱۳۸۸) قفنوس، راهی به نشانه معناشناسی سیال، تهران، علمی-فرهنگی.

طغیانی، اسحاق و آزاده پوده (۱۳۹۶) «تأملی در آداب و رسوم داستان سمک عیار»، متن‌شناسی ادب فارسی، دانشگاه اصفهان، دوره نهم، شماره ۳، پیاپی ۳۵، صص ۳۳-۴۷.

علوی‌مقدم، مهیار و میلاد جعفرپور (۱۳۹۲) «مضمون عیاری و جوانمردی و آموزه‌های تعلیمی-القایی آن در حماسه‌های منثور»، متن‌شناسی ادب فارسی، دوره پنجم، شماره ۳، صص ۱۳-۳۶.

علیا، مسعود (۱۳۸۸) کشف دیگری همراه با لویناس، تهران، نشرنی.

قبادی، حسنیعلی و علی نوری (۱۳۸۶) «تأثیر شاهنامه فردوسی بر ادبیات عیاری»، دوفصلنامه زبان و ادب فارسی نشریه سابق دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز، سال پنجاهم، بهار و تابستان، شماره ۲۰۱، صص ۶۳-۹۶.

قنادزاده، صدیقه (۱۳۸۶) «بررسی آیین عیاری در تاریخ ایران»، پژوهش‌های یاددهی و یادگیری، دوره دوم، شماره ۷، پیاپی ۷، صص ۱-۱۶.

کریمی فیروزجایی، علی و حمیده بنیادی (۱۳۹۷) «ساختار روایی داستان عامیانه کره اسب سیاه از دیدگاه نشانه معناشناسی گفتمانی»، فرهنگ و ادبیات عامه، سال ششم، شماره ۲۳، صص ۱۳۱-۱۵۰.

Fontanille, J (2008) Pratique et éthique: la théorie du lien, Protée, 36(2), 11- 26.

Fontanille, J & Zilberberg, C (1998) Tension and signification, Sprimont-Belgique, Pierre Mardaga.

Greimas, A, J (1987) De l'imperfection (Périgueux: Pierre Fanlac) Trad.: Raúl Dorra, De la imperfección.

Landowski, E (2004) Passions sans nom: essais de socio – semiotique III, Presses universitaires de France

Levinas, S, E (1994) Theorie de L'Intuition Dans La Phenomenologie de Husserl, paris, Librairie Philosophique.